

مدل . . .: فرآیند خلاقِ سنجش تا عمل در طراحی شهری

مسعود علیمردانی^۱، سینا رزاقی اصل^۲، کسری کتاب‌اللهی^۳، محدثه میری^۴

۱- استادیار گروه شهرسازی دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران

۲- استادیار گروه شهرسازی دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران

۴- دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران

چکیده:

تعدد منابع، مقیاس و گروه‌های ذینفع در طول انجام یک طرح، موجبات بروز مدلی جدید تحت عنوان R.S.V.P را فراهم آورد. پژوهش حاضر با هدف شناخت ماهیت، پیشینه و برخی از مهمترین تجارب صورت‌گرفته، ضرورت پرداخت به این مدل را در ایران متذکر می‌شود. یافته‌های نوشتار تأکید دارد که مدل R.S.V.P وامدار هنرهای موسیقی، نمایشی و ترسیمی بوده و قابلیت استفاده در رشته‌های مشابه همچون طراحی شهری را دارد. در این پژوهش سعی بر این بوده تا مؤلفه‌های این چرخه به درستی شناسایی شده و تأثیر آن‌ها بر عملکرد فرآیند بررسی گردد. طبق یافته‌ها، این مدل جهت شفاف‌سازی فرایندها به کار گرفته می‌شود و هر کدام از مؤلفه‌های چهارگانه، نماد یک بخش از مدل می‌باشد. این مدل با استفاده از امتیازات (S) سعی در نمایش و تحلیل منابع موجود در محیط (R) دارد. جهت بررسی بازخوردها و تصمیم‌سازی نهایی از تحلیل عملکرد (V) استفاده می‌نماید، و محصول نهایی (P)، نشان‌دهنده مسیر طی شده می‌باشد.

واژگان کلیدی: منابع، امتیازات، تحلیل عملکرد، مدل R.S.V.P، طراحی شهری

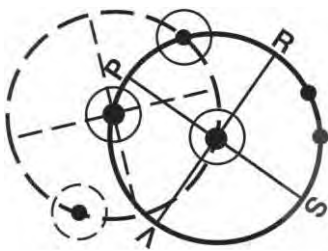
مقدمه:

یکی از روش‌ها و فرآیندهای سنجش، ارزیابی، بازخورد و عمل در معماری و شهرسازی منظر، مدل R.S.V.P می‌باشد. مبانی و عملکرد این مدل عمدتاً وامدار هنرهای موسیقی، نمایشی و ترسیمی است که علیرغم گذشت بیش از ۵ دهه از عمر آن، و با وجود کاربردی بودن مدل و رواج استفاده از آن در کشورهای صاحب‌نام در زمینه معماری و شهرسازی جهان، تا کنون در ایران مورد توجه قرار نگرفته است. هدف این مدل، ایجاد فرآیندی خلاق، تعاملی، برگشت‌پذیر و غیر خطی است که بر اساس رخدادهای موجود در محیط تحلیل می‌گردد. با مشاهده مقالات، پایان‌نامه‌ها و پروژه‌های شهرسازی در ایران، محدودیت مدل‌های سنجش و ارزیابی محیط مشهود است و نیز در معرفی و استفاده از مدل‌های معتبر دنیا، تلاش مثمر ثمری صورت نگرفته است. بنابراین هدف از این پژوهش ارائه مدل R.S.V.P، به عنوان مدلی جامع و شامل در معماری منظر و طراحی شهری، و امکان‌سنجی استفاده از آن در رشته‌های مذکور می‌باشد. لازمه تحقق این هدف، شناخت و فهم مبانی نظری این مدل می‌باشد. اساساً پرسش آغازین در نوشتار حاضر این بود که "مدل R.S.V.P، واجد چه مبانی و عملکردی بوده و آیا قابلیت استفاده در ایران و رشته طراحی شهری را به عنوان مدلی معتبر و رسمی و جایگزین مدل‌های مرسوم، دارد؟" در جهت پاسخ به این پرسش، نوشتار حاضر از هفت بخش تشکیل شده است. در بخش اول، منشأ، مبانی و مفاهیم مدل بررسی می‌شود. در بخش دوم عملکرد مدل شامل کاربرد و ماهیت مولفه‌ها تشریح می‌گردد. در بخش سوم به ابزار و روش‌های مورد استفاده در مدل که براساس مولفه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، پرداخته می‌شود.

در بخش چهارم نظام حاکم بر مدل، شامل مهمترین روابط بین مولفه‌ها بررسی می‌گردد. در بخش پنجم برخی تجارب و گونه‌های عمل این مدل، معرفی می‌گردد. در بخش یافته‌ها، به بحث در مورد قابلیت استفاده این چرخه به عنوان فرآیندی خلاق در طراحی شهری پرداخته می‌شود و در نهایت نیز جمع‌بندی، گفته‌ها و توصیه‌ها در جهت کاربست این مدل در طراحی شهری نمونه‌های ایرانی، صورت می‌پذیرد.

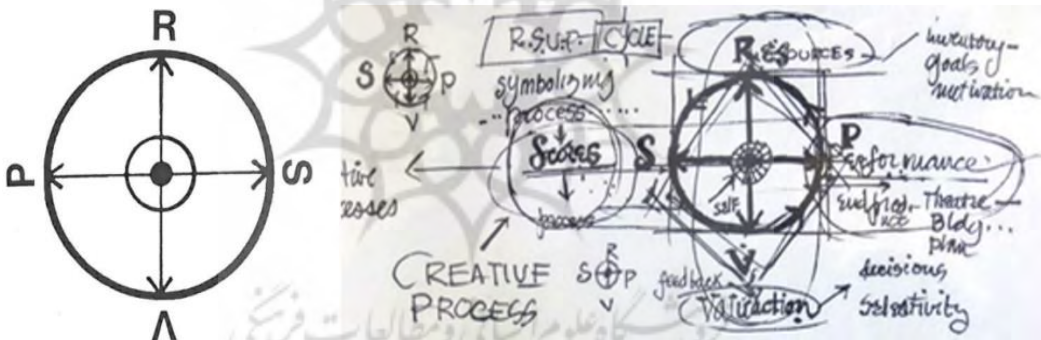
معرفی مدل ::

هالپرین، معمار منظر (۱۹۷۰)، چرخه R.S.V.P را به عنوان فرآیندی خلاقانه در محیط‌های انسانی، که در زمینه‌های مختلف هنر مشترک است، معرفی نمود. وی در طول نگارش مهمترین کتابش "چرخه R.S.V.P: فرآیند خلاق در محیط انسانی"، به



ضرورت شناسایی تمام رخدادها و عوامل وقوع آن‌ها در راستای خلق مکان پی برد. وی تصمیم گرفت مدلی را جهت شفاف و خلاق نمودن فرایند با ایجاد امکان مداخله در آن جهت بهبود روند رشد آن پیشنهاد دهد.

وی به این موضوع پی برد که تمامی داده‌ها را بایستی در زمینه‌ای چهاربخشی قرار داد، زیرا همه آنها به هم مرتبط هستند و علیرغم جدایی بخش‌ها از یکدیگر، با هم در ارتباط بوده و بر یکدیگر نیز تأثیر می‌گذارند.



تصویر شماره ۱، ۲ و ۳: تجسم نمادین چرخه از دیدگاه لاورنس هالپرین، مأخذ و

وی معتقد است که این چرخه پیشنهادی، شباهت‌هایی به چرخه‌های یونگ (حوزه روح و روان)، دارد. در چرخه هالپرین، R نماینده منابع موجود در یک مکان، و هر آنچه که ما در ساخت محیط با آن‌ها سر و کار داریم شامل درختان، ترافیک، ساختمان‌ها، برنامه‌ها، انسان‌ها، حیوانات، مدارس، بزرگراه‌ها و ... این مؤلفه، تمام عناصر موجود در محیط را اعم از عناصر کالبدی و غیرکالبدی، عناصر ایستا و پویا، هر آنچه دیده شده و یا دیده نمی‌شود، شامل می‌گردد. S مهم‌ترین بخش این چرخه که امتیاز نامیده می‌شود، توصیف‌کننده روند رسیدن به عملکرد نهایی است. این مؤلفه که یا انرژی زاست و یا کنترل‌کننده، معین می‌کند ما چه چیزهایی داریم و چرا باید از آنها بهره ببریم. همچنین، امتیاز (S)، ابزاری است جهت نمایش داشته‌ها (R) و شفاف‌سازی طی کردن فرایند از منابع تا محصول. هالپرین با اعتقاد به کثرت‌گرایی و مشارکت همه افراد در فرایند، تأکید زیادی بر بخش امتیازات (S) دارد. زیرا این بخش از چرخه، فرایند را نمایان ساخته و امکان تصمیم‌گیری، قبل از حصول نتیجه را میسر می‌سازد.

V بیانگر تحلیل نتایج و انتخاب‌های بهینه و امکان‌پذیری براساس بازخوردها و گزینش است که سبب اتخاذ تصمیم می‌گردد. تحلیل عملکرد (V)، در این چرخه در مقطعی شاید به اندازه امتیازات مهم باشند، از این جهت که می‌توانند

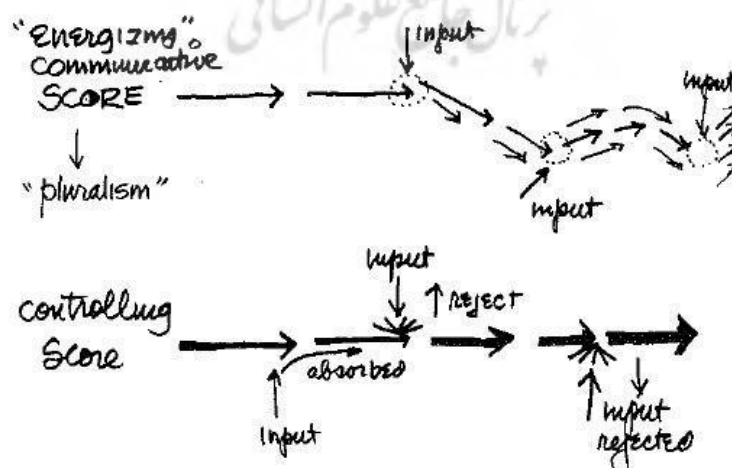
تصمیم سازی کنند. در برخی پروژه‌ها این تحلیل عملکرد است که منجر به تولید سیاست‌ها و راهبردهای طراحی می‌گردد. در بعضی فرایندها نیز عامل برطرف کردن خطاها و یا ترکیب کردن تغییرات ایجاد شده می‌باشد.

P نشان دهنده عملکرد، یعنی تحقق معیارها می‌باشد. به بیان دیگر نتیجه امتیازهاست و سبک فرآیند را تشکیل می‌دهد. این مؤلفه، نمایشی از محصول به دست آمده یا فرایند طی شده می‌باشد که گاهی همین محصول تولید شده خود به منبعی (R) برای مرحله بعدی چرخه تبدیل می‌گردد.

حلقه‌ها مؤید این نکته است که این فرآیند تعاملی و غیر خطی می‌باشد. مدل در دو سطح درونی خودمحور (دایره کوچکتر) و بیرونی گروه محور یا جامعه محور (دایره بزرگتر)، عمل می‌کند. اولین سطح، سطح فردی است که از نظر ترسیمی، در مرکز یک جامعه یا گروه چرخه R.S.V.P قرار دارد و شکل نهایی مدل، عملاً مرکب از تمام مدل‌های فردی است که درگیر کار امتیازدهی است. این دو (درونی و بیرونی)، با هم مدل را می‌سازند. مدل‌های درونی، امکان مشارکت را در تمام فرآیند خلاق، میسر می‌سازد. نتیجه نهایی مدل R.S.V.P، نقشه متعادلی است که در آن تمامی بخش‌ها، ارتباط دوسویه‌ای با هم دارند و همواره در حال تعامل هستند. این نقشه زمانی بهتر کار می‌کند که همه بخش‌ها مشغول فعالیت باشند و هدف آن، مرئی ساختن روندها و فرایندها، برقراری ارتباط و همچنین تضمین تنوع و کثرت‌گرایی و مشارکت لازم برای رشد و تغییر است. (Halprin, 1970: 2-5 و Swaffield, 2002: 49-54, Halprin, 2014: 42-44).

عملکرد مدل ::

جهت چرخش و تعداد مؤلفه‌های درگیر در این چرخه، نشان دهنده تفاوت هر فرایند است. اساساً چرخه‌ای بودن این مدل، به دلیل لزوم ارتباط مؤلفه‌های چرخه (P, V, S, R) با یکدیگر می‌باشد. هر ۴ عنصر باید با هم در ارتباط باشند تا ارتباطات انسانی (مانند ارزش‌ها، تصمیمات و عملکرد) را بتوان در این فرایند مورد استفاده قرار داد (Swaffield, 2002: 44-45). به اعتقاد هالپرین، کارکردن با چرخه برای درک نقطه تمرکز آن و بخش‌های فعال آن مفید است. به عنوان مثال در فرایند اجرای یک نوت موسیقی، بخش اجرا (P) از سایر بخش‌ها مهمتر است؛ زیرا مستقیماً از (R) که همان طبع هنری و آمادگی نوازنده جهت نواختن می‌باشد، به مرحله اجرا می‌رسیم. در واقع این بداهه‌سازی، فرایند را خلاق و یا خلاق‌تر می‌نماید.



تصویر شماره ۴: تداخل امتیازات (.) مختلف (انرژی‌زا و کنترل‌کننده) در فرایند، مأخذ ،

این مدل می‌تواند از هر نقطه‌ای آغاز شود و در هر جهتی حرکت نماید. محل نقطه شروع فرایند و جهت چرخش چرخه بستگی به مقصود کلی، موقعیت و فردی که امتیاز می‌دهد دارد. این سلسله مراتب کاملاً متغیر و وابسته به شرایط، معیار و اهداف‌اند. در

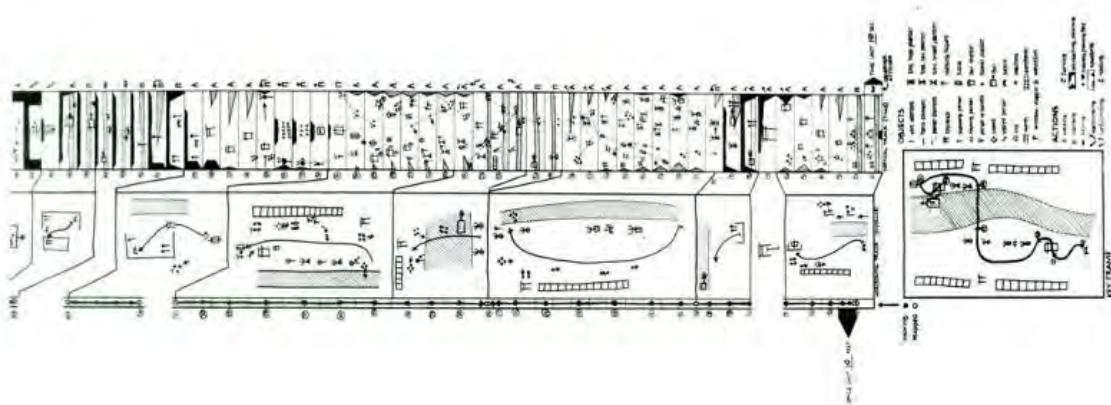
طی تکامل فرآیند، ممکن است تداخل‌هایی نیز در برخی مؤلفه‌های چرخه وجود داشته باشد. به عنوان مثال در مرحله امتیازدهی، برخی امتیازات جهت تسریع روند رشد فرایند وارد چرخه شده و بدون لطمه زدن به آن از فرایند خارج می گردند. (Halprin, 1970: 8-11).

ابزار مورد استفاده در مدل

یکی از ابزارها و روش‌های سنجش منابع (R) در محیط Motation یا همان Notation of Movement می‌باشد. در این روش، سعی بر آن است که حرکات عناصر پویا در محیط (مانند انسان)، تفسیر آن‌ها و... ، در بخش رفتارها (Action) و جایگاه عناصر ثابت (مانند مبلمان شهری، پوشش گیاهی و...)، در بخش عناصر (Objects)، و ارتباط این دو باهم ، بررسی گردد. با استفاده از نوت‌سازی از حرکات افراد در محیط می‌توان به مطلوب یا نامطلوب بودن این حرکت در محیط پی برد.

تصویر شماره ۵: نمونه‌ای از .. (نوت‌سازی در موسیقی)، مأخذ

تصویر شماره ۶: نمونه‌ای از .. (تنظیم و چینش حرکات رقص همگام با موسیقی و زمان) در رقص باله به عنوان منبع الهام لاورنس هالپرین در ایجاد مأخذ و



تصویر شماره ۷: نمونه‌ای از ... در سنجش و ارزیابی محیط (.) و (.)، لاورنس هالپرین، مأخذ

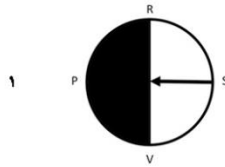
از دیگر روش‌های سنجش منابع با استفاده از امتیازات و تحلیل عملکردها می‌توان به نقشه‌های "امتیازات مکانی" اشاره نمود. در این نقشه، امتیازات جهت نمایش مطالعات منابع موجود در سایت بکار می‌روند. که در این نوع فرایند Valuation نقش ارائه‌کننده راهبردها و سیاست‌های طراحی (lines of action) و تصمیمات اتخاذ شده را ایفا می‌نمایند. (Halprin, 1970).

جدول شماره ۱: معرفی یکپارچه مولفه‌های مدل ... و روش‌های سنجش هر مولفه، مأخذ نگارندگان، سال ۲۰۱۷

نام مولفه	نماد اختصاری	تعریف	روش سنجش
Resources	R	- هرآنچه برای ساختن محیط و زندگی کردن در آن داریم	مطالعه عناصر موجود در محیط
Scores	S	- چگونگی سازماندهی منابع - چگونگی تصمیم‌گیری در مورد عوامل تأثیرگذار بر محیط - نمایشی از مطالعات سایت و به طور کلی منابع - عامل تسریع‌کننده فرایند و انرژی‌دهنده به آن (به مثابه کاتالیزور)	- تهیه نقشه‌های Motation (نوت‌سازی در حرکت) - تهیه نقشه‌های امتیازات مکانی (Locational scores)
Valuation (value + action)	V	- تحلیل اطلاعات و عملکرد در فرایند - ترکیب‌کننده تغییرات - ارائه دهنده راهبرد و سیاست طراحی	- تحلیل نتایج به دست آمده از امتیازات (S) - توافق آرای اکثریت افراد مؤثر در پروژه - بررسی مناسب طی شدن روند فرایند
Performance	P	- نشان‌دهنده محصول نهایی (فرآورده) - کلیت فرایند	- شفاف‌سازی کلیت فرایند برای همه گروه‌ها - مطابقت محصول با چشم‌انداز ابتدایی

نظام حاکم بر چرخه (روابط میان مولفه‌های مدل)

تعداد بسیار زیادی رابطه را می‌توان بین مولفه‌ها می‌توان متصور شد، اما چهار مورد زیر مهمترین حالات مذکور می‌باشند.



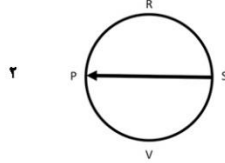
در هر یک از موارد، با توجه به مسیری که فرایند طی می‌نماید و تعداد مؤلفه‌های تأثیرگذار در آن، حالات مختلفی برای این چرخه وجود دارد:

$$VPR \leftarrow S$$

این فرایند، کنترل‌کننده است. به این معنی که امتیاز برای کنترل کامل فرایند می‌باشد.

بعنوان مثال: حرکت‌های خیابانی

$$R \leftarrow S$$



در این چرخه، هیچ کنترلی در طول اجرا وجود ندارد. اینجا امتیاز (S) به دلیل نزدیکی

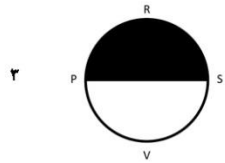
بسیار به محصول، انرژی‌دهنده می‌باشد. مانند: امتیازات زیست محیطی

$$PRS$$

در این فرایند، مقداری کنترل، بازخورد یا گزینش در طول عملیات، آن هم به میزان

خیلی کم وجود دارد. مانند: امتیازات معمارانه

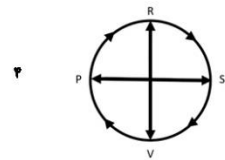
$$(P) \leftrightarrow (S) / (V) \leftrightarrow (R)$$



این مدل فرایند ایده‌آل‌ترین نوع ارتباط بین مولفه‌های چرخه می‌باشد. در اینجا (V) در

حین فرایند به قضاوت آن می‌پردازد. در این نوع از چرخه، مقداری کنترل، گزینش و بازخورد،

تغییر و رشد وجود دارد. مثال: جدول CPM ساحل سی رنج (Halprin, 1970, 192)



تصویر شماره ۸: روابط اصلی

میان مولفه‌ها، مأخذ

..... ،

گونه‌های عمل مدل :: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

لاورنس هالپرین، تجارب متعددی در زمینه طراحی پارک‌های شهری منحصر بفرد از جمله پارک Ira keller fountain پرتلند، پارک Free way در سیاتل، محور منتهی به آبشار در یاسمیت و یادبود فرانکلین دلانو روزولت در واشنگتن دارد که در تمامی طراحی‌های وی بعد از ۱۹۷۰، از مدل R.S.V.P بهره برده است.

یکی از دغدغه‌های اصلی او تنظیم حرکات موزون در شهر است. او از مستندات زنده طبیعی بسیار آموخته است و سبک متکی بر توجه به طبیعی بودن است. طبیعت و زندگی روزمره، آموزگار این هنرمند و سرچشمه الهام وی بود و از سبک انتزاعی دوری می‌گزیند. هالپرین، همانند مک هارگ، از اکولوژی به عنوان مطالعه ارتباط بین اندام‌های مختلف محیط پیرامون بهره برد. به این دلیل که علم محیط زیست، اطلاعات چند متغیره را سازماندهی می‌کرد. بر خلاف بخش‌های لایه لایه زمان که تحقیقات مک هارگ را ساختار بخشید، هالپرین به دنبال یک مدل پایان باز پویاتر بود (Alder, 2014: 60-61).



تصویر شماره ۹ و ۱۰: پارک. مأخذ ۲۰۱۶

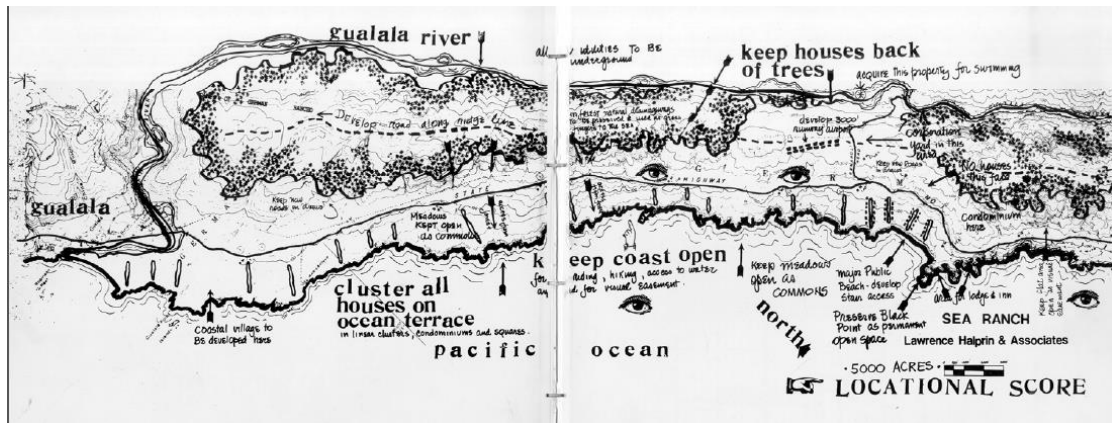


تصویر شماره ۱۱، ۱۲ و ۱۳ (از راست به چپ): یادبود روزولت، محور آبشار یاسمیت، فری وی پارک، (مأخذ ۲۰۱۶)

مهمترین پروژه‌ای که هالپرن بین سال‌های ۱۹۶۷-۱۹۷۰ به عنوان طراح در آن مشارکت داشت، ساحل Sea Ranch در شمال سان فرانسیسکو می‌باشد. این پروژه مبتنی بر مدل RSVP طراحی و به عنوان اصلی‌ترین نمونه در کتاب‌هایش تشریح گشته‌است. در این محدوده ۵۰۰۰ هکتاری، هدف، زندگی انسان‌ها در بطن محیط زیست بدون ایجاد اختلال در آن بوده‌است. لذا سعی بر این بوده تا کمترین دخل و تصرف در اکولوژی این ساحل صورت گیرد. عملکرد گروه طراح و مجری در این پروژه طبق چرخه RSVP، منابعی نظیر شرایط تاریخی سایت، حکمی که توسط مالکان و توسعه دهندگان صادر می‌شد، خواسته‌های زیست محیطی، خواسته‌های اجتماعی، ویژگی‌های معماری محلی، طیف وسیعی از قوانین مهندسی، زمین شناسی، هواشناسی و ... را شامل می‌گشت. در مورد امتیازات نیز می‌توان گفت این بخش از چرخه، "نظامی از نمادها" بودند که به فرایند انرژی می‌دادند (John-Alder 2014:55-58) همچنین هالپرن از امتیازات برای رسیدگی به سناریوهای مختلف طرح‌های پیشنهادی استفاده می‌کرد. کانسپت اصلی این طرح، "مکان خوب برای زندگی" نبود؛ بلکه درباره "مکان منحصر بفرد برای زندگی" بود. منحصر به فرد در چشم انداز خود و قصدش برای ساخت یک اجتماع. نگرش غالب در این مجموعه، بالاتر بودن اهمیت تنظیمات محیطی به نسبت ساخت و ساز بود.

در مجموعه ساحل سی رنچ، R شامل تمامی عناصر موجود در محیط، S نمایشی از منابع موجود و شناخت و تحلیل آنها، V بحث بر سر یافته‌ها که در مرحله امتیازدهی (S) به نمایش درآمده بود و نیز وضع نمودن راهبردهای محیطی می‌باشد. کلیت این روند و نتیجه حاصله، در مرحله اجرا (P) مشهود است.

طبق نقشه زیر، جنگل‌های چوب قرمز، حاشیه ساحلی اقیانوسی، رودخانه Gualala، علفزارها و ... همگی زیرمجموعه منابع (R) می‌باشند (Canty 2004: 23).



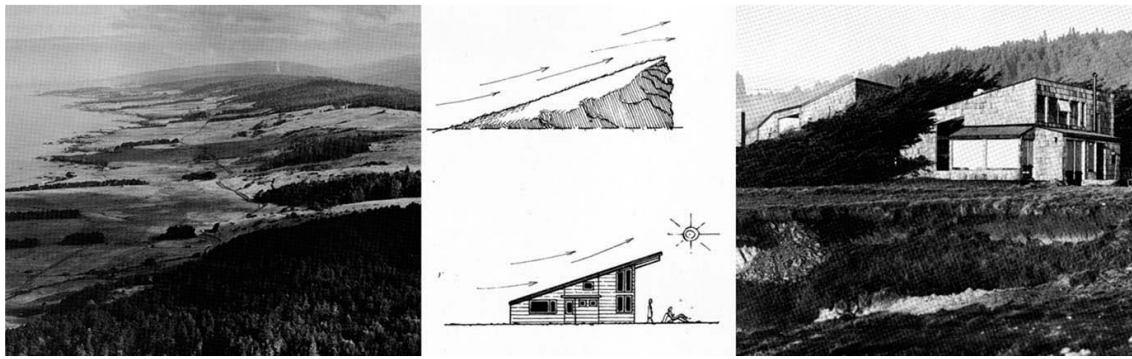
تصویر شماره ۱۴: نمونه‌ای از امتیازات مکانی (،) ساحل سی-رنج، مأخذ

طبق مطالعات هالپرین در سی رنج، مطالعه وضعیت جوی، پوشش گیاهی، رفتارشناسی آب، تست خاک و ... جزئی از مطالعات سایت می‌باشند (Halprin 1970, 125). به نمایش درآوردن این مطالعات در مرحله S اتفاق می‌افتد. قصد هالپرین از شفاف‌سازی فرایند توسط امتیازدهی، مشارکت همه گروه‌ها و حضور مداوم آنها در طی فرایند می‌باشد. زیرا تصمیم‌سازی‌ها دقیقاً پس از نمایش نتیجه مطالعات در مرحله Valuation به وقوع می‌پیوندد. بنابراین، راهبردهای صادره از سوی تصمیم‌گیرندگان، مشخص‌کننده خط‌مشی‌ها و دستورالعمل‌های طراحی است. در آخر نیز به مرحله بهره‌برداری یا همان اجرا (p) می‌رسیم. نکته مهم اینکه رابطه این عناصر چهارگانه از فرایند (R, S, V, P) به صورت چرخه می‌باشد. چرخه‌ای پویا که دائماً در حال حرکت است. بنابراین طبیعی است که محصول به دست آمده در این مرحله (P)، پس از گذشت زمان، خود تبدیل به منبعی (P) برای شروع فرایند دیگر شود. از اینروست که هیچ‌گاه یک پروژه طراحی محیط تمام نمی‌گردد و مدام توسط کاربران در حال گسترش می‌باشد (Lyndon, 2004: 50-64).



تصویر شماره ۱۵: نمونه‌ای از مطالعات اولیه هالپرین بر روی منابع و امتیازات در ساحل سی-رنج (۱۹۷۰)، مأخذ

.....



تصویر شماره ۱۶: نمونه‌ای از مطالعات اولیه هالپرین بر روی منابع و امتیازات در ساحل سی-رنج (۱۹۷۰)، مأخذ

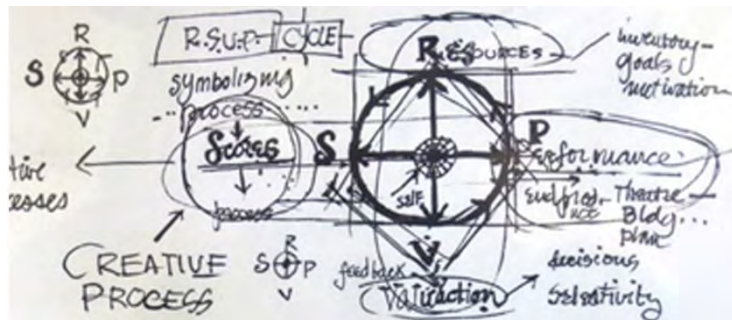
به دلیل سازگاری ساختمان‌های بنا شده در این پروژه با طبیعت پیرامون آن [به حدی که ساختمان‌ها جزئی از چشم‌انداز ساحل هستند]، این طرح بی‌نهایت مورد توجه و استقبال مردم قرار گرفت. این خانه‌های مجتمعی، (Clustered Houses) با راندمان انرژی بالاتر، همچنین بخشی از جنبش "بازگشت به طبیعت" را تشکیل می‌دادند (Lyndon, 2009: 84).

یافته‌ها و بحث :

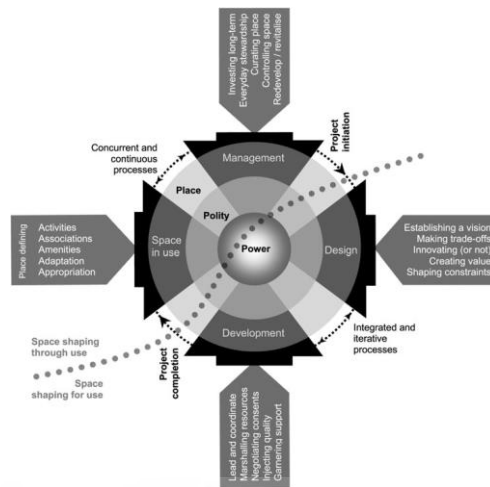
یک طرح موفق طراحی شهری، از یک فرآیند موفق و خلاق نشأت می‌گیرد. طراحی شهری اگر بنحو صحیح بکار گرفته شود، بیشتر نقش هماهنگ کننده بین عوامل دخیل در طرح را خواهد داشت و این بر اهمیت فرآیند تأکید دارد. ماهیت و دامنه پروژه‌های طراحی شهری بسیار وسیع و متفاوت است (Carmona, 2014: 5-6). عوامل متعددی همچون زمان مطالعه و انجام طرح، حوزه عمل (مقیاس طرح)، میزان مشارکت گروه‌های ذی‌مدخل در تصمیم‌گیری و ارتباط آنها با طراح شهری، جایگاه طراح شهر به عنوان تصمیم‌ساز، تأمین منابع مالی طرح و ... به عنوان مرز مفهوم‌سازی این حرفه، چارچوب آن را مشخص (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴) و از سایر رشته‌های مشابه همچون معماری جدا و به نحوی از معماری و شهرسازی منظر متمایز می‌سازد.

فرآیندهای مختلفی در معماری منظر همچون "فرآیند طراحی هیده‌ئو ساساکی (۱۹۵۰: ۱۵۸-۱۶۰)، فرآیند بوم شناختی ایان مک هارگ (۱۹۶۷: ۱۰۵-۱۰۷)، چرخه‌های R.S.V.P لاورنس هالپرین (۱۹۶۹: ۱-۵)، فرآیند طراحی راندالف هستر جونیور (۱۹۷۶: ۱۷۳-۱۷۶)، فرآیند استیون کروگ (۱۹۸۳: ۷۰-۷۶)، فرآیند طراحی سایت کوین لینچ و گری هک (۱۹۸۴: ۱۱-۱۲)، فرآیند برنارد لاسوس (۱۹۹۸: ۵۰-۶۴) و ... وجود دارد که شباهت بسیار زیادی به فرآیندهای مطرح شده در طراحی شهری دارد.

در طراحی شهری نیز فرآیندهای زیادی همچون "کریستوفر الکساندر (۱۹۷۰)، جونز (۱۹۷۰)، برایان لاسون (۱۹۸۰) به نقل از (بحرینی، ۱۳۹۰: ۸۰-۸۱)، حمید شیروانی (۱۹۸۵: ۶۸-۷۰)، متیو کرمونا و همکاران (۲۰۰۳: ۱۱۳ و ۲۰۱۴: ۱۱) " مطرح شده است که در یک نگاه اجمالی ماهیت مشابهی با فرآیندهای مطرح شده دارند، گرچه با توجه به هدف استفاده و غایت نهایی طرح دارای تمایزاتی اندک هستند.



تصویر شماره ۱۷: فرآیند طراحی شهری: شکل دهی مستمر فضا، متیو کرمونا (۲۰۱۴)، مأخذ



تصویر شماره ۱۸ چرخه به عنوان فرآیندی خلاق در معماری منظر، لاورنس هالپرین (۱۹۷۰)، مأخذ ،

گرچه فرآیندها در گذر زمان و با توجه به عوامل مختلفی دچار دگرگونی شده که در این نوشتار مجال برای پرداختن به آن نیست، و به گونه‌های مختلفی ارائه شده‌اند، با این حال از یک ماهیت یکسان پیروی می‌کنند. از آن جا که دانش طراحی شهری، دانشی میان رشته‌ای است، بررسی تاریخ، اکولوژی، پتانسیل‌های مختلف موجود در محیط و ... بسیار مهم و حیاتی است. از طرفی مدل R.S.V.P از داشته‌های موجود در محیط به عنوان منبع اساسی جهت شروع فرایند بهره می‌برد. همچنین مشارکت اجتماعی و گرفتن بازخورد در مراحل میانی فرایند را ضروری می‌داند. از همین رو فرایند بسیار پویا و شفاف گردیده و نیز به دلیل امکان تصمیم‌گیری افراد ذی‌نفع و ذی‌نفوذ، خلاقیت در ایجاد گزینه‌های انتخابی برای ادامه فرایند افزایش می‌یابد. مقایسه تطبیقی بین چرخه R.S.V.P و فرآیند طراحی شهری کرمانا به عنوان یکی از جدیدترین فرآیندهای طراحی شهری، حاکی از آن است که علیرغم وجود تمایزات جزئی و تفاوت در نام مراحل، چگونگی ارتباط آنها و ... چرخه R.S.V.P دارای جامعیت و همه‌شمولی است که می‌توان غالب آنچه را که از یک فرآیند طراحی شهری انتظار می‌رود، برآورده ساخته و به دلیل اینکه از معماری منظر نشأت گرفته است، بکارگیری آن در حرفه طراحی شهری خصوصاً در حوزه‌های مشترک میان این دو حرفه، می‌تواند به نتایج و دستاوردهایی به مراتب واقع‌بینانه‌تر منجر گردد.

نتیجه‌گیری:

یکی از روش‌های سنجش و ارزیابی در معماری و شهرسازی منظر، مدل R.S.V.P است که در دهه ۱۹۷۰، شکل گرفته است. مرور متون و تجارب صورت گرفته در این حوزه نشان می‌دهد که عمده دلایل بروز این مدل توسط لاورنس هالپرین، مرئی ساختن روندها، برقراری ارتباط و همچنین تضمین تنوع، کثرت‌گرایی و مشارکت لازم برای رشد، ایجاد تغییر خصوصاً در پروژه‌های با مقیاس وسیع و نیز قابلیت سنجش و ارزیابی تمامی رخدادهای محیط بصورت توأمان تا رسیدن به فرآورده از طریق چرخه چهار مولفه‌ای است. در این مدل چهار مولفه اصلی S و R و V و P، به عنوان مولفه‌های اصلی شکل‌دهنده به چرخه، در نظر گرفته می‌شود. ارتباط و نظم حاکم بین مولفه‌ها تعیین‌کننده نوع فرآیند می‌باشد که بتواند بهترین عملکرد مدل را ایفا نماید. این مدل حالتی میان رشته‌ای دارد که عمده مبانی و اهداف خود را از هنرهای موسیقی، نمایشی و ترسیمی گرفته است و توانسته است به بهترین نحو در شهرسازی و معماری منظر بکار گرفته شود. همچنین قابلیت استفاده در دیگر رشته‌های مشابه که از فرآیند تبعیت می‌کنند، همچون طراحی-شهری را داراست. بررسی و مقایسه اجمالی چرخه R.S.V.P با فرآیندهای طراحی شهری و یکی از جدیدترین آنها (کرمانا)، نشانگر

تشابه در عین تمایزات جزئی بوده و بیانگر آن است که این مدل قابلیت استفاده در طراحی شهری و به طور خاص حوزه‌های مشترک میان طراحی شهری با معماری و شهرسازی منظر را دارد.

غالب تجارب صورت‌گرفته، در سی‌رنج، فری وی پارک، یادمان روزولت و کریدور توسط لاورنس هالپرین براساس این مدل انجام شده است و به نتایج بسیار مطلوبی منجر گشته‌اند. همچنین بسیاری از صاحب‌نظران شهرسازی منظر در سه دهه اخیر همچون جیمز کرنز، چارلز والدهیم، برنارد چومی، ریچارد رجیستر و استان آلن به نحوی تحت تاثیر این مدل و کارهای هالپرین قرار گرفته‌اند. این مدل به دلیل کاربرد در مقیاس‌های وسیع، چندوجهی و مشارکتی بودن، در بسترهایی که با مولفه‌ها و عناصر متعددی سر و کار دارد، می‌تواند مثمر ثمر واقع شود. از طرفی در سال‌های اخیر به دلیل گرایش به مقیاس بزرگ در طرح‌ها، مسابقات و برنامه‌های شهرسازی و خصوصاً طراحی شهری کشورمان، و نیز محدود بودن مدل‌ها و روش‌های تحلیل یکپارچه با ماهیت غیر طراحی شهری که بتواند به طور فراگیر در حوزه طراحی شهری مورد استفاده قرار گیرد، می‌توان به طور جدی به ورود این مدل و کاربست آن در حوزه‌های آکادمیک و حرفه‌ای طراحی شهری ایران اندیشید.

منابع:

- ۱- بحرینی، حسین (۱۳۹۰)؛ فرآیند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم، تهران، ایران.
- ۲- حبیبی، کیومرث، کتاب الهی، کسری و زین‌الصالحین، فاطمه (۱۳۹۶)؛ شناسایی و بررسی جایگاه دیدگاه‌های جدید طراحی شهری از ابتدای قرن حاضر براساس معیارهای مرز مفهوم‌سازی؛ نشریه معماری و شهرسازی پایدار، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی، تهران، ایران.
- 3- Andrea Hansen, 2011, Revealing Cyclical Relationships: Diurnal, Seasonal, Historic Unit 3 Week 1 (11/09), Cyclical and temporal processes: notation and indexing, Landscape Representation III Graduate School of Design Harvard University.
- 4- Bernard Lassus, "The Obligation of Invention." From "The Obligation of Invention," pp. 67-77 in The Landscape Approach by Bernard Lassus. Text copyright (C) 1998 University of Pennsylvania Press. Illustrations copyright (C) Bernard Lassus. Reprinted with permission.
- 5- Canty, Donald. 2004. "Origins, Evolutions and Ironies." In The Sea Ranch, edited by Donlyn Lyndon and James Alinder, 22-33. New York: Princeton Architectural Press.
- 6- Carmona, M. 2014. "The Place-shaping Continuum: A Theory of Urban Design Process". Vol 19, Journal of Urban, 1-36.
- 7- Cobussen, Marcel. 2016. The Field of Musical Improvisation. Leiden: Leiden University Press.
- 8- Elizabeth Meyer, "Situating Modern Landscape Architecture.": Theory as Bridging, Mediating and
- 9- Geoffrey and Susan Jellicoe, "The Landscape of Man." From Geoffrey and Susan Jellicoe, The Landscape of Man (London: Thames and Hudson, 1987), 390-391.
- 10- Gergely, Liana. 2013. "The Process Made Visible: Anna Halprin's RSVP Cycles in Creating Ceremony of Us (1970)." B.A. thesis, Barnard College, Columbia University Department of Dance. http://dance.barnard.edu/sites/default/files/liana_gergely_thesis_-_the_process_made_visible.pdf.
- 11- Halprin, L. (2014), 'The RSVP Cycles: Creative Processes in the Human Environment', *Choreographic*
- 12- Halprin, Lawrence. 1970. The RSVP Cycles: Creative Processes in the Human Environment. New York: George Braziller.
- 13- Harmony, Wolfe 2012. Landscapes of Dance: the 1960 Summer Workshop of Anna Halprin, Art History UC Riverside.
- 14- Hideo Sasaki, "Design Process." From Hideo Sasaki, "Thoughts on Education in Landscape Architecture: Some Comments on Today's Methodologies and Purpose." Landscape Architecture 40, no. 4 (1950): 158-160. Reprinted with permission from Landscape Architecture magazine.
- 15- <http://tclf.org/influential-modernist-landscape-architect-lawrence-halprin-featured-new-exhibition-opening-national>

- 16- James Corner "Theory in Crisis. From James Corner, "A Discourse on Theory 11: Three Tyrannies of Contemporary Theory and the Alternative of Hermeneutics," *Landscape Journal* 10, no. 2 (1991): 115-116, 129. Reprinted by permission of the University of Wisconsin Press and the author.
- 17- James Corner, "Origins of Theory." From James Corner, "A Discourse On Theory 1: "Sounding the Depths"-Origins, Theory, and Representation," *Landscape Journal* 9, no.2 (1990): 61-62 . Reprinted by permission of the University of Wisconsin and the author.
- 18- John-Alder, Kathleen. 2014. "Processing Natural Time: Lawrence Halprin and the Sea Ranch Ecoscore." *Studies in the History of Gardens & Designed Landscapes* 34 (1): 52–70. doi:10.1080/14601176.2013.850279.
- 19- Kevin Lynch and Gary Hack, "Site Design." From Kevin Lynch and Gary Hack, *Site Planning*, 3rd ed. (Cambridge, Mass.: MIT Press, 1984), 127-129. C) 1984 Massachusetts Institute of Technology.
- 20- Kevin Lynch and Gary Hack, "The Art of Site Planning." From Kevin Lynch and Gary Hack, *Site Planning*, 3rd ed. (Cambridge, Mass.: MIT Press, 1984), 11-1), 1984 Massachusetts Institute of Technology.
- 21- Ian McHarg, "An Ecological Method." Ian McHarg, "An Ecological Method for Landscape Architecture," *Landscape Architecture* 57, no.2(1967): 105-107. Reprinted with permission from *Landscape Architecture* magazine.
- 22- Laurie Olin, "Form, Meaning, and Expression." From Laurie Olin, "Form, Meaning, and Expression in Landscape Architecture," *Landscape Journal* 7, no. 2 (1988): 155-57. Reprinted by permission of the University of Wisconsin Press and the author.
- 23- Lawrence Halprin, "The RSVP Cycles." Excerpted from Lawrence Halprin, *The RSVP Cycles* (New York: George Braziller, 1969), 1-5. Used with permission.
- 24- Lyndon, Donlyn, and James Alinder. 2004. *The Sea Ranch*. New York: Princeton Architectural Press.
- 25- Lyndon, Donlyn. 2009. "The Sea Ranch: Qualified Vernacular." *Journal of Architectural Education* 63 (1): 81–89.
- 26- Nan Fairbrother, "New Lives, New Landscapes." From Nan Fair brother, *New Lives New Landscapes* (London: William Clowes and Son, 1970), 6-8. Reprinted by permission of Butterworth Heinemann Publishers, a division of Reed Educational and Professional Publishing Ltd.
- 27- Patrick Condon, "Cubist Space, Volumetric Space." From Patrick Condon, "Cubist Space, Volumetric Space." *Landscape Journal* 7, no. 1 (1988): 1-3. Reprinted by permission of the University of Wisconsin Press and the author.
- 28- *Practices* 5: 1, pp. 39–47, doi: 10.1386/chor.5.1.39_1
- 29- Randolph Hester, Jr., "Community Design." From Randolph T. Hester, Jr., *Neighborhood Space* (Stroudsburg, Pa.; Dowden Hutchinson and Ross, 1974), 173-176, 180-183 . Used with Permission
- 30- Reconciling practice," in *Design + Value: Proceedings of the Annual Meeting of CELA*, 992, 167-178. Reprinted by permission of CELA
- 31- Shirvani, Hamid, (1985), *The Urban Design Process*, Van Nostrand Reinhold, the University of Michigan, 214 p.
- 32- Steven Krog, "Creative Risk Taking." Steven Krog, "Creative Risk Taking" *Landscape Architecture* 73, no. 3 (1983): 70-76. Reprinted with permission from *Landscape Architecture* magazine.
- 33- Swaffield, Simon R. , 2002, *Theory in Landscape Architecture: A Reader*, University of Pennsylvania